









لاک پشت که برای پیاده روی بیرون آمده بود زیر درخت ایستاد  
و جغد کوچولو را دید که روی شاخه نشسته و غمگین است.  
از او پرسید: «سلام جغد کوچولو. چرا به جای این که با بقیه ی پرنده ها  
پرواز کنی این جا نشسته ای؟»  
جغد کوچولو جواب داد: «چون خیلی از افتادن می ترسم.»  
لاک پشت گفت: «بی خیال. یک کمی که تمرین کنی موفق می شوی.»  
ولی جغد کوچولو سرش را تکان داد و گفت:  
«نه نه! من هیچ وقت موفق نمی شوم!»



